

فاکتورهای عشق حقیقی

برخی از فاکتورهای عشق حقیقی عبارتند از:

- زمان نمی‌شناسد.
- سن و سال ندارد.
- زندگی را از دیگری نمی‌گیرد.
- به دنبال چیزی نیست.
- کسی را در قفس نمی‌کند.
- ضعیف نیست.
- منفی نیست.
- ظاهر را نمی‌بیند.
- عقب نمی‌کشد.
- دروغ نمی‌گوید.
- تخریب نمی‌کند.
- فاصله را نمی‌شناسد.
- موانع را از سر راه برمی‌دارد.
- عمیق و بامعناست.
- مهربان و ساده است.
- بی‌ریاست.
- در عمق وجود جای دارد.
- در کلام نمی‌گنجد.
- هرگز سکوت نمی‌کند.
- جسور و بی‌باک است.
- باگذشت و فداکار است.
- یک‌رو و یک‌رنگ است.
- شاداب و پرتوان است.
- همیشه تازگی دارد.
- خسته‌کننده و کسالت‌آور نیست.
- واقعیت درون است.
- پایان‌ناپذیر است.
- خالص و شفاف است.
- همیشگی‌ست.
- زیبایی وجود است.

وحیبه بشارت‌زاده

روان‌شناس، مشاور، مدرس دانشگاه

رفتار اخلاقی را تجسم کند. شخص باید درک نماید که شأن و منزلت او در پیروی از راه حقیقت است. اگر او بتواند عواقب بد و مضر تمایلات شرورانه را تجسم کند، تصمیمات او با تکیه بر اخلاقیات، اتخاذ خواهد شد؛ بنابراین، خلاص شدن از عادات و رفتارهای شر و مضر، کاملاً به اراده‌ی خود شخص بستگی دارد. برعکس، اگر تنها به اصلاح ظاهر امور پرداخته شود، ریشه‌ی شر باقی خواهد ماند و تمام تلاش‌ها در جهت بهبودی، خودبه‌خود محکوم به شکست است.

بخش اعظم این تلاش‌ها برای وضع محدودیت‌ها و بازرسی‌ها به‌منظور جلوگیری از تمایلات شیطانی، باید درجهت بهبود و تعالی بخشیدن به سطح جریان افکار و احساسات باشد. در صورتی که بتوان چنین عمل کرد، هرکسی نگهبان، بازپرس، قاضی و زندانبان خود خواهد شد و به‌جای نیاز به نگهبان، خود نگهبان دیگران خواهد بود. اگر این امکان وجود داشته باشد که سطح افکار و دیدگاه‌های فرد، بالا برده شود، مطمئناً نجابت و ملامت در تمام فعالیت‌هایش، بازتاب پیدا خواهد کرد. در این سطح، شخصیت فرد، رو به کمال، گرایش خواهد یافت و وجودش موجب افزایش کرامت انسانی خواهد بود؛ فردی قابل تحسین و باارزش. شخصی که افکارش در بالاترین سطح تعالی باشد، هرگز نمی‌تواند اساس رفتار خود را نادیده بگیرد. او هرگز راهی که به سقوط و انحطاط منتهی شود را دنبال نمی‌کند؛ بنابراین، در مقایسه با افزودن بر امکانات فیزیکی، ایجاد ذهنیت فرهنگی و اخلاقی را ترجیح می‌دهد.

واقعیت قابل توجه‌تری نیز وجود دارد؛ مغز به‌خودی‌خود چندان مستقل عمل نمی‌کند. مغز، بر بدن حاکم است و آگاهی، ذهن را چون عروسک خیمه‌شب‌بازی می‌رقصاند. ذهن بر احساسات، اعتقادات، ایمان و آرزوها احاطه دارد. افکار و اعتقادات انسان می‌تواند به کمک بحث، ارائه‌ی واقعیات، مدارک و شواهد و مثال‌ها و نمونه‌ها به‌آسانی تغییر کند. ذهن هم‌چنین تحت فشار ترس و حرص و آز عوض می‌شود اما «آگاهی» فرق می‌کند. ریشه‌های آگاهی بسیار عمیق‌اند. اگر ایمان درونی فرد، قدرت انطباق با رفتارهای بیرونی او را نداشته باشد، تولید اشکال می‌کند.

روش تصفیه‌ی آگاهی درونی، «معنویت» نامیده می‌شود؛ به کلامی دیگر، معنویت علم پالایش و نشاط‌بخشی درونی خود و رساندن آن به سطح خودِ الهی‌ست.

برای رسیدن به راه‌حل‌های عملی برای مواجهه با بحران‌هایی که انسان امروزی در جهان مدرن با آن‌ها دست به‌گریبان است، ذهنیت و شخصیت افراد باید بهبود یابد؛ بنابراین «معنویت»، علمی همراه با تلاش مداوم در زمینه‌های مختلف، کلید و راه‌حل پایدار مشکلات ماست و به کمک آن می‌توان آینده‌ای روشن و آغاز دوران طلایی را بنا نهاد.

منبع: <http://www.buzzle.com>

مترجم: الهام عطاردی